

نظری به مذاهب بزرگ سامی و تشکیلات بعدی آن

« ۴ »

مدرسه نصیبین بتمام معنی تحت نفوذ مسیحیت در آمد در شهر نصیبین آکادمی یهودی وجود داشت بریاست ربان یهود بن باشورا لکن پس از تصرف آن بدست رومیان مدرسه آنها بسته شد و اسقف انطاکیه علاوه بر مدرسه انطاکیه مدرسه دیگری در نصیبین بوجود آورد . که غرض اصلی از آن رواج و توسعه دین مسیح بود و رواج فلسفه الهی بین مسیحیان و افرائیم مدیر آن مدرسه مردی ادیب و نویسنده بود و بزبان سریانی چیز مینوشت این دو نه تنها مرکز تعلیم و تربیت و تبلیغات مذهبی بود و بلکه جنبه های سیاسی خاصی داشت، اسکندریه نیز همین وضع را داشت و حتی گفته شده است که مکتب افلاطونیان جدید محفل سیاسی بوده است. پس از آنکه شهر النصیبین بدست ایرانیان افتاد، مسیحیان که در اداره مدرسه وارد بودند به ادسا رفتند و مدرسه دیگر در آنجا تأسیس کردند و این مدرسه در اندک زمان شهرت جهانی پیدا کرد و اغلب اسقف های ایران تحصیل کسره این مدرسه بودند در ۴۲۸ نسطوریوس راهب شهر انطاکیه به منصب بطریقی رسید وی متبحر در علوم الهی بود و مسائلی از دین را مورد اصلاح قرارداد و اظهاراتی نمود و منکر لقب والده خدا گردید (برای مریم) بطریق اسکندریه با وی مخالفت کرد و بالاخره نسطوریوس را از منصب خود عزل کردند و لکن بسیاری از مردم سوریه و جز آنجا بدان پای بند شدند و بدین طریق مذهب و فرقه نسطوریس بوجود آمد و ادسا کانون نسطوری گری شد و ازین تاریخ پیعد مبارزاتی در داخله مسیحیت مابین نسطوریان و مونوفیزیتهای یا قائلین به طبیعت واحد. شروع شد نسطوریان بعدها مدرسه النصیبین را مجدداً افتتاح کردند و در ایران وضع خود را رونق بخشیدند و این مذهب را در ایران رواج دادند و فرهنگ و ادبیات یونان را باین سرزمین آوردند بعدها در مدرسه گندی شاپور بتدریس پرداختند و از وجود همین ها بود که خلافت بغداد در ترجمه کتب یونان بزبان سریانی و عربی استفاده کرد، پس از این در مسیحیت تفرقه افتاد و فرقه مختلفی بوجود آمد و مدت چند قرن کشمکش های زیادی میان آنان بوجود آمد.

در اوائل قرن هفتم میلادی اسلام ظهور میکند و بسرعت از مرکز قدرت خود که مکه و بعد مدینه است بسوریه رسیده و از آنجا از تمام عرض افریقای شمالی عبور کرده بجزیر الطارق میرسد و در اوائل قرون وسطی اسلام قسمتهای مهمی از دنیا را متصرف میشود. و در دوطرف مدیترانه با مسیحیت بجدال میپردازد و مقدمات جنگهای صلیبی بوجود میآید جنگهای صلیبی علل مختلفی دارد که علت اصلی آن ترس مسیحیان از گسترش اسلام و تصرف شهر فاسطین و دست اندازی مسلمین به چند کشور اروپائی بود و یکی از جنایات بزرگ تاریخ بحساب میآید.

آتش این جنگها بدست کلیساها شعله ور شده و تشکیلات آن بدست رهبران دینی اداره میشود. در اینجاست که روح ملایمت اولیه مسیحیت بدست روحانیان جاه طلب و دنیا طلبان ریاکاریک دفعه واژگون میگردد و روح خشن جایگزین آن میشود. و مدتها وقت بشریت را بچنگ وجدال و ترمیم خرابکاریهای آن مصروف میدارد. جنگهای صلیبی با همه عواقب و آثار نامطلوبی که در برداشت برای عالم مسیحیت و کشورهای اروپائی ارمغان تازه همراه آورد و آن دسترسی بتمدن و فرهنگ اسلامی و علم و هنر و صنعت ایرانی بود که رنگ اسلامی گرفته بود تشکیلات اداری و نظامی یکی از ارمغانهای جنگهای صلیبی است که بسعالم مسیحیت و غرب وارد میشود. از وضع نظام و تشکیلات امپراطوری اسلام آگاه میشوند و نظامات و مقررات آنها را اقتباس مینمایند و بملاوه فکر سازمان دادن و تشکیل مجامع و محافل سیاسی و اجتماعی که بعداً تحولاتی در عالم غرب میدهد از آثار جنگهای صلیبی و آشنائی بتمدن و تشکیلات فرق اسلامی است.

چنانکه گویند سواران معبد از لحاظ تشکیلات و سازمان تحت تأثیر و تعلیم اسماعیلیان واقع شده اند.

سواران معبد :

پس از جنگهای صلیبی اول و سقوط انطاکیه و بیت المقدس نه تن از اصیل زادگان فرانسوی بریاست (هوک دبیان) و وجود فرواد ساتنومار، متشکل شد که حجاج بیت المقدس را تحت حمایت خود قرار دهند و مسکنی نزدیک به معبد مقدس بدانها واگذار شد و بدینجهت به سواران معبد مشهور شدند که نزدیک به معبد سلیمان سکونت داشتند در سال ۱۱۲۸ م شورای مقدس این جمعیت را برسمیت شناخت و مورد تأیید پاپ واقع شد این سواران معبد ابتدا اصول اخلاقی و انسانی را شعار خود قرار دادند و نظر آنها کمک بیازمانگان و ابن سبیل بود که بزیارت بیت المقدس میآمدند این جمعیت بعداً از روش خود منحرف شدند و سوء استفاده هایی کردند که مورد نفرت کلیساها واقع گردیدند گویند جمعیت سواران معبد یک جمعیت سری تخریبی بوده است و عده اساس ماسونیت را بدانها منسوب میدانند.

در حال مسیحیت بعد از ظهور اسلام و درخشندگی خاصی که دین جدید داشت و بویژه مسأله توحید، اخوت، برادری و مساوات آن مورد توجه جهانیان واقع گردید ایمان مسلمانان به تبلیغ دین و گسترش دامنه نفوذ اسلام و تبلیغات دامنه دار آنها در اطراف و اکناف بلاد و کشورها و بوجود آمدن تمدن عمیق و وسیع موجب شد که جهانیان شیفته این

دین شده و بدان تمایل نمایند و در اندک مدتی بسیاری از بلاد آسیا و باختر و خاور بدین دین آشنا شدند و مورد بغض و حسد کلیساها که قدرت خود را در خطر میدیدند واقع گردیدند و با آنکه مسلمانان با مردم کشورهای مغلوب بخوبی رفتار میکردند و آنها را در کارهای علمی و تجاری و هنری خود آزاد میگذاشتند معذالک پیشرفتهای اسلامی برای ملت مسیح و دولتهای تحت نفوذ آنها قابل تحمل نبود و این است سر بوجود آمدن جنگهای صلیبی و ایجاد تفرقه و تشتت در امپراطوری بزرگ اسلامی .

اسلام :

مردم سرزمین عربستان در عصر جاهلی مرکب از دستجات مختلفی بودند که گذشته از اقلیت موحدیهودی و مسیحیان که عده آنها بسیار اندک بود اکثر مردم بت پرست و مشرک بودند و حکومتهای مجاور عربستان در نهایت فساد و کشمکش های جاهلانه سیر میکردند دو کشور متمدن ایران و روم همواره در حال جنگ و ستیز بودند اقوام عرب در فساد و تباهی غوطه ور بودند قتل و غارت و سرقت اموال دیگران و کشتار و چپاول و زنده بگور کردن دختران و زنان و اعمال خلاف انسانی به نهایت درجه خود رسیده بود در چنین وضعی شخصیت بزرگ تاریخی یعنی محمد بن عبدالله پیامبر اسلام ظهور میکند و در وضع ناگوار و بسیار سختی مردم لجوج و اعراب سرسخت را بدرستی و صلاح دعوت میکند و آنها را از اعمال و کردار و حشیانه و غیر انسانی خود نکوهش مینماید .

ابتداء حضرت خدیجه زوجه آن حضرت بدو ایمان میآورد و بعد علی بن ابوطالب پسر عمش و سپس ابابکر و یکی دو نفر دیگر و مدت ها این عده قلیل در تحت شکنجه و زجر و آزار اعراب لجوج و خونخوار بطور مخفیانه به تبلیغ و گسترش دین اسلام میپردازند اعراب خودخواه و خونخوار که به بی بند و باری و زندگی بی رویه و اصول خود عادت کرده و بالاتر از همه اشراف و بزرگان آن سرزمین که سالهای متمادی از گرده بردگان کار کشیده و آنها را مورد استئثار قرار داده اند و زندگانی باشکوه و جلال و جبروت برای خود درست کرده اند اکنون می بینند شخصی را که آمده است و میخواهد دستگاه فرعونیی آنها را بر هم زند و اساس بردگی و عبودیت را درهم ریزد بتهای آنها را خرد کند عادات و رسوم آنها را نابود سازد سیادت و آقائی آنها را متزلزل کند این است که همه با هم متحد شدند که محمد بن عبدالله را از دعوت خود منصرف نمایند اعیان و طبقات مکه مجالسی تشکیل دادند و توطئه ها کردند لکن چون حضرت محمد هم از خانواده بزرگ و اشراف مکه بود و فامیل بزرگی داشت از او بیم و واهمه داشتند و دفع او را باسانی ممکن نمیدانستند بدین جهت بتوطئه پرداختند و بوسائلی خواستند او را نابود کنند و سرانجام در مقابل عظمت اسلام و پیشرفتهای آن بر زمین خوردند و نابود شدند و امثال ابوسفیان سرانجام مجبور به عقب نشینی شدند چون دین اسلام دین فطرت بود و بجز عده سود پرست که چشم و دل آنها کور و قلب آنها سیاه بود مردمی روشن دل و مآل اندیش بدان گرویدند و آن چنان در راه پیشرفت دین اسلام جانفشانی کردند که در تاریخ بشریت بی سابقه بود .

اسلام ارمغان تازه برای بشریت آورد که از جمله عدالت اجتماعی ، مساوات

برادری و برابری بود بشردوستی مروت و انصاف از اصولی بود که اسلام برای جامعه وحشی سرزمین عربستان بارمغان آورده بود بدین جهت طبقات بسیاری از مردم که از کلیه مزایای انسانی محروم بودند درنگ را جائز ندانسته بدان گرویدند و موقمی انحصارچیان و چپاولگران و اشراف سفاک مکه متوجه شدند که اسلام کار خود را کرده بود و قدرت عظیمی فراهم کرده بود ، و بناچار این عده خود را بتزویر در اسلام داخل کردند و همین ها هستند که اسلام از آنها باسهم منافق نام برده است و بعداً چه آنها و چه اولادانشان مانند معاویه باسلام خنجر زدند و صدمات بزرگی باصول آن وارد آوردند .

پیامبر اسلام در مدت کمی باوجود آنکه از طرفی با مخالفان در جنگ بود و از طرفی دیگر به بیان احکام به مؤمنان و تبلیغ و نشر دین در میان اقوام و مردم مشرک میپرداخت تشکیلات و نظامات بسیار قوی و مستحکم در تمام شئون اجتماعی خود بوجود آورد و پایه و اساس کار پیشوایان بعدی اسلامی را بطوری محکم و استوار پی ریزی کرد که اگر وجود همین منافقان و ریاکاران مسلم نما نبود بطور قطع میتوان گفت که این دین بزرگ جهانی امروز تنها دین در دنیا بود لکن حب جاه و مقام و سودجویی و شهوت پرستی مشتی مردم رذل باسهم عمال و خلافت اسلامی و بعدها روحانیان ریائی اساس اسلام را واژگون کرده و سرگرم تفرقه اندازی و ایجاد اختلاف شدند تا حکومت کنند .

اسلام و مذاهب دیگر :

وضع و حال قوم یهود و پیروان دین مسیح با ظهور اسلام چندان تغییری نکرد و حملات اسلام بیشتر متوجه مشرکان و بت پرستان بود و با ادیانی که دارای کتاب آسمانی بودند کاری نداشت و حتی رفتار دوستانه با آنها داشت فقط با آنها قراری بست که تحت حمایت مسلمین بوده و موظف به پرداخت مالیات یا جزیه باشند البته در این راه بسیار مجاهدت کرد که با یهودیان وارد مبارزه نشود لکن یهودیان عربستان به مللی نتوانستند اسلام را تحمل کنند ، و با مخالفین سرسخت اسلام همچون ابوسفیان معاهداتی برای برانداختن اسلام برقرار کردند و در مناطقی که سکونت داشتند به توطئه و فتنه انگیزی پرداختند مسلمین ناچار شدند با آنها نیز از در ستیز و جنگ وارد شوند با آنکه علی الاصول یهودیان میبایستی از دین اسلام حمایت میکردند و لاقلاً از لحاظ عقیده به توحید که مشترک بودند میبایست از آن بگرمی استقبال میکردند لکن وجود عده لجوج و خودخواه موجب شد که عادت دیرینه خود را که ایجاد خلافت و تفرقه بود از سر گیرند و بدون علت و جهت با اسلام بمبارزه برخیزند یهودیان اغلب سعی میکردند از زیر بار جزیه دادن شانه خالی کنند و حتی مرگ را بر آن ترجیح دهند و تمصبهای بی جا بخرج دهند و بدین جهت اشکالاتی بدست خود برای خود فراهم کردند و در هر حال میان اسلام و یهودیت در صدر اسلام برخورد هائی شد لکن با مسیحیان برخورد قابل ملاحظه نشده است .

پس از رحلت حضرت رسول گردن کشان و بت پرستان و اشراف زادگان که بظاهر بدین اسلام گرویده بودند و اسلام همواره آنها را منافق میدانست علم طغیان برافراشتند و دین اسلام را زیر پا گذاشتند و بفکر خلافت و حکومت افتادند و حتی قبل از کفن و دفن حضرت

رسول بفرگرفته بندی و خلافت افتادند به سقیفه بنی ساعده رفتند و با عده معدودی از اصحاب شورائی تشکیل شد و پس از مشاجرات زیاد ابو بکر را جلوانداخته و بعنوان اولین خلیفه اسلامی معرفی کردند دسته مخالف ابو بکر بولایتها قناعت کردند و در این وسط از آنکس که از همه به حضرت رسول نزدیکتر بود و دومین فرد اسلام بحساب میامد و خالصاً و مخلصاً در راه اسلام فداکاری کرده بود یعنی علی بن ابی طالب اسمی نبود پس از آنکه علی بن ابوطالب از این وضع آگاه شد با وجود آنکه زیر بار خلافت ابو بکر نرفت مخالفتی آشکارا هم با وی نکرد و چون مقصود او پیشرفت اسلام بود و ازدو دستگی و اختلاف در داخله اسلام هراس داشت گوشه گیری اختیار کرد و لب فرو بست و بعضاً در مشکلات کار هم بد آنها کمک کرد تا زمان خلافت عثمان که علناً کار خلافت اسلامی با بتدال کشید کارهای خلاف مصلحت اسلام انجام میشد حکومتها و ولایتها باشخاص بی دین و لایابالی سپرده میشد فساد تام در دستگاه خلافت بوجود آمده بود عمال نالایق در اطراف و اکناف بلاد به عیش و نوش سرگرم بودند معاویه را والی شام کرد مردم از مظلوم او به تنگ آمدند و از اطراف و اکناف بر عثمان بشوریدند و سرانجام در یک انقلاب و شورش عمومی عثمان بن عفان خلیفه نالایق اسلامی بقتل رسید پس از قتل عثمان مردم با علی بن ابی طالب بخلافت بیعت کردند لکن معاویه آن مرد مشرک و خود خواه که فکر سلطنت در مغز خود پرورانده بود زیر بار خلافت او نرفت و علیه علی قیام کرد و با مشورت عمرو عاص حیلہ گر معروف توطئه ها کرد و جنگهایی مانند جنگ صفین براه انداخت جنگ صفین مدتها دوام یافت و این جنگ از شاهکارهای معاویه و مشاورش عمرو عاص بود و در همین جنگ بود که لشکریان معاویه برای تردید و تزلزل در طرفداران علی قرآنها برنیزه کردند لشکریان اسلام از این عمل کفار جا خوردند و بدون توجه بانکه معاویه و یارانش همان مشرکان و لشکریان پدرش ابوسفیانند بر علی اعتراض کردند که آنها ما را بقرآن قسم میدهند و حکم قرار داده اند علی ناچار میشود دست از جنگ بکشد و مسأله را به حکمیت ارجاع کند بانکه علی بن ابی طالب از حیلہ معاویه آگاه بود تحت فشار طرفدارانش بحکمیت رضایت میدهد نتیجه حکمیت این میشود که عمرو عاص با معاویه و ابوموسی اشعری وارد معامله میشود و سرانجام قرار میشود که عمرو عاص مادام العمر حاکم مصر باشد و خلافت را برای معاویه مسجل کند و این عمل را انجام میدهد و با این ترتیب توطئه ضد اسلامی جامه عمل بخود میپوشاند معاویه خلیفه میشود و در زمان حیات خود برای یزید و فرزندش بیعت میگیرد و خلافت را وراثتی میکند در این جا سانیکه معاویه را خلیفه بحق میدانند شتر مرغ میشوند بعد از رحلت رسول میگویند خلافت باید باشورامعین شود . و اکنون میگویند ارثی است در هر حال عده از طرفداران حضرت علی زیر بار نتیجه کار حکمیت نمیروند و همانها که او را مجبور بترك مخصوصه و پذیرفتن حکمیتش میکنند علیه او شورش مینمایند و خوارج پدید میآید . و گویند بعید نیست که پیدا شدن فرقه خوارج از توطئه های عمرو عاص و معاویه بود در هر حال عده بر حضرت علی شوریدند و زیر بار او نرفتند حضرت علی که دید نیروی او کم شده است بطور موقت از جنگ دست کشید لکن بعداً که نیروی تازه فراهم آورد خوارج به جنگ او برخاستند و مانع ازین شدند که کار معاویه را یکسره کند از این تاریخ در عالم اسلام فجایع خوارج شروع میشود و این مردمی که ابتدا خود را خشک مقدس میدانستند فجایمی مرتکب شدند بقتل و غارت اطفال و بزرگان

پرداختند راهزنی و نهب و هدم و قتل و غارت شعار اساسی آنها شد.

وضع خلافت اسلامی :

اشارت رفت که معاویه در زمان حیات خود فرزندش یزید را بخلافت برگزید و ولیعهد خود قرارداد و از درباریان برای او بیعت گرفت یزید مردی عیاش و لاپالی بود گویند معاویه وی را نصیحت کرد که اگر بخواید در مسند حکومت باقی بماند باید حسین بن علی را از بین بردارد خلفای اموی بطور کلی اصول مسلم اسلام را زیر پا گذاشتند و بجزیکی دو نفر از آنها با اسلام و اساس آن توجهی نداشتند و بعضی از آنها از دروغ و ستیز هم وارد میشدند زمام امور مسلمین را بدست يك عده اراذل و اوباش سپردند که از ارتکاب هیچگونه عمل زشتی خودداری نمیکردند و در حالیکه این خلفا و اعوان و انصارشان مشغول عیش و نوش بودند و بیت المال مسلمین را بمصرفهای ناروا میرسانیدند مردمی در گوشه و کنار بلاد ناظر اعمال و حرکات آنها بوده در تحت فشار و بیدادگری عمال آنها جان میدادند و از ظلم و ستم آنها به تنگ آمده بودند و قیامهای متفرق علیه دستگاه خلافت اموی بوجود میآوردند و تشکیلات مخفی و آشکار در کشورهای اسلامی بویژه ایران علیه خلافت اموی بوقوع می پیوندید.

وضع ایران:

ایرانیان که مردمی متمدن بودند پس از حمله اعراب بعللی سیاسی و مذهبی تسلیم شدند و دین اسلام را متدرجاً قبول کردند مخصوصاً که فسادی در دستگاه حکومتی ایران راه یافته بود و زمینه را از داخل برای سقوط حکومت مساعد کرده بود.

لکن پس از قبول دین اسلام متوجه فساد بیشتری در دربار خلافت های اسلامی شدند و بدستگاه خلافت با نظر شك و تردید نگاه میکردند و از طرفی روایتی که از دیر زمان بامرکز و وحی اسلامی یعنی مدینه داشتند و بوسیله شخصیتهایی مانند سلمان از جریان حوادث خلافت مطلع بودند و از شخصیتهای حقیقی اسلام آگاهی تام داشتند واقعه شهادت امام حسین هم مزید بر علت شده بود دانستند که دین اسلام پس از رحلت رسول و از گون شده است بملایه اعراب به ایرانیان به چشم حقارت نگاه کرده و آنها را موالی میدانستند ایرانیان حساب اعراب را از اسلام جدا کرده و قیام ضد خلافت برآوردند و گفتند ما اگر بدین اسلام گرویده ایم ناچار نیستیم مظالم و بیدادگری مثنی عرب غیر متمدن را بعنوان خلیفه و حاکم بپذیریم و انواع آزار و اذیت و شکنجه را متحمل شویم این بود که مرکزی در شهر کوفه که محل رفت و آمد و تجارت بود پدید آمد و سازمانهای ضد خلافت نضج پیدا کرد و نهضت حادی شروع شد عباسیان بریاست شخصی بنام محمد علیه خلافت اموی قیام کردند و مجمعی تشکیل دادند و دامنه آن بایران کشید در ایران که قبلاً زمینه مساعد بود ابو مسلم خراسانی قیام کرد و سرانجام حکومت اموی سرنگون شد و خلافت عباسیان مسجل گردید.

لکن ابو مسلم خراسانی که در حقیقت بانی خلافت عباسیان بود بامر منصور خلیفه

عباسی بقتل رسید و بدین جهت ایرانیان که این همه ناجوانمردی از اعراب دیدند یکسره علم طغیان برافراشتند و بر آن شدند که ریشه خلافت‌های غاصب را براندازند انقلابات و شورشهایی در نواحی ایران مانند مازندران و جز آن بوجود آمد خلفای عباسی نیز خوبی درندگی و سبعمیت پیدا کردند و دست به قتل و خونریزی زدند، و حتی متوکل عباسی رسماً علیه دین اسلام قیام کرد و کسانی را که بخاندان رسالت منسوب بودند قتل عام کرد بدین جهت ایرانیان بر آن شدند که کار را یکسره کرده و از زیر یوغ استعمار عربی خارج شوند و شدند .

تجزیه خلافت و حکومت‌های اسلامی:

مظالم و بیدادگری خلفای اسلامی و حیف و میل اموال عمومی و قتل و کشتارهای بناحق موجب شد که ارکان خلافت اسلامی متزلزل شود و دسته‌های ناراضی زیاد شوند و همین ناراضی‌ها هر آن اطراف یک نفر را گرفته و مذهب و فرقه جدیدی بوجود آوردند .
در سال ۱۴۸ پس از رحلت حضرت صادق عده بر آن شدند که امامت به اسماعیل فرزند بزرگ او که در زمان حیات آن حضرت فوت کرده است رسیده و بعد فرزندش محمد بن اسماعیل امام است .

نویسندگان عرب در مورد این فرقه تهمت‌ها زده‌اند . برخی گفته‌اند مؤسین این مذهب یهودی بودند و گویند میمون بن دیمان معروف به قداح غلام حضرت صادق که مردی اهوازی و یهودی بود با اتفاق محمد بن الحسین ملقب بدیدان و دیگری در زندان با یکدیگر ملاقات کردند و بر آن شدند که مذهبی بوجود آورند و مذهب باطنیه را بساختند عده دیگر از نویسندگان منتصب عرب گویند زردشتیان و مزدکیان و مانویان سازنده این مذهب بودند در حال که حقیقت امر اینست که ظلم و ستمگری خلافت اسلامی و دربارانش این مذهب را بوجود آورده است .

این بیدادگری‌ها گاه موجب تشکیل فرقه‌ها شده است و گاه انشعاب در خلافت اسلامی و شخصی علم طغیان افراشته و مدعی استقلال شده و مردمی ناراضی بگردش حلقه زده و علی رغم دستگام جبار خلافت او را یاری کرده‌اند چنانکه پیدا شدن دولت اداره ۱۶۹ هجری ریاست حسین بن علی بن حسین در مراکش و دولت اغالبه ۱۸۴ هجری در تونس و دولت طاهریه در ۲۰۵ در ایران و دولت علویه در ۲۵۰ بر ریاست حسن بن زید علوی در طبرستان و دولت فاطمیه از ۲۹۷ در مصر و دولت مکناسیه در ۳۱۱ بمراکش و دولت زیاریه در ۳۱۶ بمرگان و دولت اخشیدیه در ۳۲۳ بمصر و دولت آدرسیسه دوم در ۳۲۳ بمراکش و دولت حسنیه در ۳۴۹ بکردستان شرح زندگی و کارهای المتوکل عباسی در ۲۳۲ و المستعین در ۲۵۸ و المهتدی بن-الواتق در ۲۵۵ و سایر خلفای عباسی بر اهل تاریخ پوشیده نیست در هر حال در مورد اسماعیلیه هر کس بنوعی تعصب آمیز چیزی نوشته است پیروان مذهب اسماعیلیه ابتدا دعوت خود را از کوهستانها شروع کردند عده زیادی از اکراد پیرو آنها شدند میمون بمغرب رفت و پیروانی فراهم ساخت و خود مدعی شد از اولاد محمد بن اسماعیل است .

این فرقه در جریان حوادث روزگار پخته و آزموده شدند و فرقه‌هایی تشکیل دادند و انجمن‌های سری خاص بوجود آوردند در این انجمنها و محافل تصمیمات لازم را اخذ میکردند و طرق دعوت را میآموختند و طرق تأویل و تفسیر قرآن و آیات و اخبار را یاد میدادند و سازمانهای مستحکمی بوجود آوردند پیروان این فرقه با ایمان عجیبی در راه پیشرفت مقاصد مذهبشان جان فشانی میکردند بصورت یاقبان و راهزنان درآمدند ترورهای فردی از دستورات این فرقه است که بدست فدائیان حسن صباح انجام شد شرح مبارزات و قتل و کشتارها و لشکر کشیها و ترورهای فردی این مذهب خود داستانی دارد مراتب مختلف تشکیلاتی آنها و جنبه‌های سری تعلیماتی آنان بعداً مورد استفاده سازمانهای سری مغرب زمین واقع گردید و حتی گویند سواران معبد یا شوالیه‌ها در فلسطین در سازمان دادن بکار خود از روش اسماعیلیه استفاده کرده‌اند عده هم گویند میان سازمان ماسونیه و مراتب اسماعیلیه شباهتی هست چنانکه سازمانهای فرقه‌های جدید نیز متأثر از مراتب آنها شده است و شاید تشکیلات این فرقه‌ها از تشکیلات ماسونیه استفاده برده باشد.

اخوان الصفا:

عده گمان کرده‌اند اخوان الصفا از فرقه اسماعیلیه و از دعوات آنها بوده‌اند این نظر مورد قبول محققان نمی‌باشد البته در اینکه تعلیمات اخوان الصفا سری بوده است و مراتب و مدارجی برای کار خود قائل بودند شکی نیست و در آنکه از خلال کلمات آنها دانسته میشود که هدف سیاسی هم داشته حرفی نیست لکن چگونه و برای چه بوده است و هدف اساسی آنها مبارزات علیه دستگاه خلافت بغداد بوده است یا نه معلوم نیست و ممکن است هدف مذهبی داشته باشند در هر حال جمعیت اخوان الصفا جمعیت سری بوده و فلسفه آنها احیاناً بارموز و اشارات خاص مقرون است و در فلسفه بنحوی محسوس تحت تأثیر فیثاغورسیان بوده‌اند و بدین جهت است که عده معتقدند آنها فیثاغوری بوده و جمعیت اصدقاء را فیثاغوریان زنده کرده‌اند و هدف اخوت و برادری و کمک بیکدیگر بوده است مطمئناً در وضع خفقان آور زور و فشار دستگاه حکومتی و دینی عصر این تشکیلات بوجود آمده است تشکیلات آنها مشابه با تشکیلات فیثاغوریان بوده و تعلیمات آنها رمزی بوده است و از کلمات آنها مبارزه علیه عوام فریبی و حکومت‌های جبار فهمیده میشود آقای دکتر نصر فاضل معاصر در کتاب نظر متفکران اسلامی راجع به طبیعت گوید اگر در نظر بگیریم که اسماعیلیه احترام خاصی برای این رسائل داشته‌اند و آنها را در یمن و ممالک دیگر اشاعه داده‌اند و بنا بر قول بعضی از محققان هنوز این مجموعه جزو کتب باطنیه اسماعیلیه محسوب میشود جای تعجب نیست که جمهور دانشمندان معاصر این مجموعه را از تألیفات اسماعیلیه بشمارند.

احتمال غیر راجح آنکه از وضع فرق متکلمین و جنجال آنها به تنگ آمده بر آن شدند که فلسفه خاصی که باروح و مبانی اسلامی موافق باشد بوجود آورند و هیچ نوع نظر سیاسی در بین نباشد و بحث آنها هم راجع به روش حکومتها بسیار عادی باشد چون از مباحث اساسی فلسفه است.

قرامطه

یکی از مبلغین ابن میمون بنام فرج بن عثمان کاشانی مشهور بذکویه مدتی درخفا مشغول تبلیغات بود و سپس بسال ۲۷۸ هـ مردی از یاران او در نزدیک کوفه قیام نمود و مردم را دعوت با مامی کرد که مهدی باشد جمعی بدورش گرد آمدند و بلقب قرمط ملقب شدوی دوازده نقیب انتخاب کرد و آنان را حواریون نامید این فرقه به فتنه انگیزی و فساد پرداختند قرمط مخفی شد و در ناحیه دیگر از کوفه ظهور کرد و دعوت با انتشار نمود و سپس بشام فرار کرد این دسته بعداً قدرتی بهم زدند و گویند برای فریب دادن مردم و جلب توجه تمامی مذهب اباحی را رواج داد و فتنه‌ها برخاست جنگها و کشتارها کردند و شورشها بر پا داشتند، بکوفه و شام حمله کردند مردم را قتل و غارت نمودند در بحرین انتشار پیدا کردند به بصره و مکه هجوم بردند حجر الاسود را دزدیدند با خلفای فاطمیه ساختند لکن بعداً با آنها جنگیدند و سرانجام بدست آل بویه منقرض شدند گویند فرقه‌های اخیر که در ایران تأسیس شده‌است از تعلیمات قرامطه الهام گرفته و بعضاً روش آنها را تعقیب کرده‌اند در همان حال که قرامطه مشغول تبلیغ و انتشار دین خود بودند ابن میمون در افریقا و یمن با انتشار تعلیمات اسماعیلیه پرداخت شخصی بنام ابو عبدالله شیمی رهسپار افریقا گردید و بشارت ظهور مهدی را داد عبدالله بن میمون قداح مدعی بود که از سلاله اهل بیت است نواده او حسین به حمص رفت و مبلغین و دعوات با طرف گسیل داشت و در اندک زمان مذهب اسماعیلیه را در قسمت مهمی از کشورهای عربی و قسمتی از ایران و افریقای شمالی گسترش دادند تعلیمات اسماعیلیان که اساس آن بدست ابن میمون ریخته شد مراتب نه گانه یا تسعه داشت. عالم . جاهل . دعوات ...

گویند همین مراتب بعداً مورد استفاده ماسونیه قرار گرفته‌است .

پرتال جامع علوم انسانی

بد نیست بد آئیند که :

موسسه صنایع شیمی فرانکفورت معادل ۱۲۰ میلیون ریال برای مطالعات و تحقیقات علمی در آلمان اختصاص داده‌است ۸۰ میلیون از این مبلغ بین چهارصد پروفیسور توزیع گردیده تا مطالعات خود را در آزمایشگاهها تعقیب نمایند.